آینهٔ پژوهش

دوماهنامهٔ نقدکتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزهٔ فرهنگ اسلامی

سال سی و چهارم، شمارهٔ سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۲ ISSN:1023-7992

۲۰۱

ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی و تاریخ‌نگاری اسلام | چاپ نوشت (۸) | از ترجمه تا متن قدسی؛ بازتاب قرائت‌های مختلف در ترجمه های کهن قرآن به فارسی | دربارهٔ چند جاینام دیگر در شاهنامه و بعضی مسائل وابسته | عبداللّٰه بن عباس و فقه شیعی | نوشتگان (۲) | زندگی قباله ها: حاشیه‌نگاری، استنساخ و ثبت اسناد در اوایل ایران مدرن | دربارهٔ فرهنگ و زبان قومِ لک (۱) | زبان آرامی را جدی بگیریم؛ جستارهایی با رویکرد مطالعات قرآنی | تک‌نگاشتی شایگان دربارهٔ نگاشته‌های شریف مرتضی | درنگی در ترجمهٔ کتاب من و مولانا | ابیاتی نویافته از برخی شاعران کهن در رسائل العشاق و وسائل المشتاق | نقد مقالهٔ «تحلیل و نقد یکی از فقره‌های نسخهٔ رایج زیارت عاشورا» | نسخه‌ای بین المذاهبی ومعرفی دو تقریظ شیعی از سدهٔ هفتم | مروری بر کتاب قرآن در بستر نزول: بررسی‌های ادبی تاریخی دربارهٔ محیط قرآن | نقدی بر نقد آقای علی زاهدپور | **نکته، حاشیه، یادداشت**

| پیوست آینه پژوهش |

تحفة‌الفقیر: فرهنگ نامه‌ای منظوم از مؤلفی ناشناخته

۲۰۱ | دوماهنامهٔ آینهٔ پژوهش | سال سی و چهارم، شمارهٔ سوم مرداد و شهریور ۱۴۰۲

Ayeneh-ye-Pazhoohesh

Vol.34, No.3 Aug- Sep 2023

A bi-monthly journal exclusively dedicated to book critique, book review & information dissemination in the field of Islamic culture

201

پُرتال دوماهنامهٔ آینهٔ پژوهش
Jap.isca.ac.ir

| سال سی‌وچهارم، شمارۀ سوم |
| مـردادوشهریـور ۱۴۰۲ |

تک‌نگاشتی شایگان دربارۀ نگاشته‌های شریف مرتضی

حمید عطائی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
h.ataee@isca.ac.ir

|۲۰۳-۲۱۸|

چکیده: سَیّد مرتَضی (د: ۴۳۶ هـ. ق.)، ملقّب به «عَلَم الهُدی» بی‌تردید یکی از چند دانشمند مکتب‌ساز و جریان‌آفرین در طول تاریخ تشیّع بوده است که در تکوین و تکامل علوم دینی مختلف در مذهب امامیّه تأثیری بسزا داشته. با وجود آثار و پژوهش‌هایی که تاکنون دربارۀ برخی از نگاشته‌ها و جوانب فکری وی منتشر شده است، همچنان کمبودهای فراوانی در این خصوص محسوس است و برای شناخت همه‌جانبه و دقیق از آثار و آراء شریف مرتضی در علوم مختلف باید تحقیقات و تدقیقات بس افزون‌تری صورت گیرد. به‌تازگی گامی بلند به منظور معرّفی نوشته‌های شریف مرتضی و دست‌نوشت‌های آنها برداشته شده است و تک‌نگاشتی شایسته و ارزنده در این زمینه انتشار یافته که در مقالۀ حاضر به برشماری برخی از وجوه اهمّیّت آن پرداخته می‌شود. کتاب کلان دوجلدیِ بازشناسی آثار و اندیشۀ شریف مرتضی در زمینۀ تاریخی آنها که به قلم دو استاد دانشور و برجستۀ مطالعات اسلامی، آقای حسن انصاری و خانم زابینه اِشمیتکه نگاشته شده است را باید مفصّل‌ترین کتابی قلمداد نمود که به زبان انگلیسی دربارۀ عالمی امامی به رشتۀ تحریر درآمده است. هدف اصلی از تألیف این اثر تدوین یک کتاب‌شناسیِ تا حدّ امکان جامع برای کتابها و رسائل شریف مرتَضی و معرّفیِ نسخه‌شناسانۀ مکتوبات او و نیز بررسی دست‌نوشت‌های آثار وی با رویکرد تاریخی و تبارشناسانه است. در این اثر همچنین، سیر کتابت و انتقال و تداول نوشته‌های سَیّد مرتَضی و دست‌نویس‌های آنها در ادوار مختلف مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: شریف مرتَضی، تبارشناسی نسخ خطّی، امامیّه، حسن انصاری، زابینه اِشمیتکه، محمّدعلی امیرمُعزّی، حسَین مدرّسی طباطبایی.

A Worthy Monograph on Sharīf Murtaḍā's Oeuvres
Hamid Ataei Nazari

Abstract: Sharīf Murtaḍā (d: 436 A.H.), was undoubtedly one of the foremost Imami theologians, who had a great impact on the development and evolution of various religious disciplines in the Twelver Shīʿīsm. Despite the works and research that have been published so far about some of his writings and intellectual aspects, there are still many deficiencies in this regard, and for a comprehensive and accurate understanding of Sharīf Murtaḍā's works and opinions in various disciplines, more research and investigations should be done. Recently, an outstanding contribution made by two prominent scholars and professors of Islamic studies, Mr. Hassan Ansari and Mrs. Sabine Schmidtke to introduce Sharif Murtaḍā's oeuvres and their manuscripts. The aim of the present paper is to describe the most important features of the work. this large two-volume book on the reception of Sharīf Murtaḍā's oeuvres and thought in their historical context, should be considered the most detailed book written in English about an Imami scholar. The main purpose of producing this work is to compile a comprehensive bibliography of Sharīf Murtaḍā's writings and to examine the manuscripts of his works with a historical and archeological approach.
Keywords: Sharīf Murtaḍā, Archeology of Manuscripts, Imamiya, Hassan Ansari, Sabine Schmidtke, Mohammad Ali Amir Moezzi, Seyyed Hossein Modarressi.

سَیّد مرتَضی، ابوالقاسم علی بن حُسَین موسوی (د: ۴۳۶ ه‍. ق.)، ملقّب به «عَلَم الهُدیٰ» بی‌تردید یکی از چند دانشمند مکتب‌ساز و جریان‌آفرین در طول تاریخ تشیّع بوده است و از این جهت نقشی هم‌پایهٔ شیخ مفید (د: ۴۱۳ ه‍. ق.) و نصیرالدّین طوسی (د: ۶۷۲ ه‍. ق.) ایفا نموده است. وی در تکوین و تکامل علوم دینی مختلف در تشیّع تأثیری بسزا داشته است و نخستین آثار مبسوط و نظام‌مند را در دانش‌هایی چون کلام و اصول فقه پدید آورده. با وجود اهمّیّت فراوان آثار و اندیشه‌های شریف مرتضی در پیشرفت ابعاد گوناگون معرفتی مذهب امامیّه، تاکنون پژوهش‌های درخور و خرسندکنندهٔ چندانی در باب تألیفات و آراء او انتشار نیافته است و در این خصوص با کمبودهای تحقیقاتی چشمگیری روبه‌رو هستیم. مهم‌ترین پیشرفتی که در چند سال گذشته در این موضوع حاصل شده است، انتشار ویراست‌هایی انتقادی از مجموعه آثار سَیّد مرتَضی است[1] که اینک زمینهٔ بسیار مناسبی را برای پژوهش دربارهٔ آثار و افکار او فراهم آورده. پیش از انتشار این ویراست‌های تازه، که براستی کاری سترگ و ستودنی به شمار می‌آید، چند کتاب معدود به زبان‌های فارسی[2] و عربی[3] و انگلیسی[4] دربارهٔ اندیشه‌های کلامی عَلَم الهُدیٰ به‌چاپ رسیده است که هریک به‌رغم فوائدی که دارند، مشتمل‌اند بر پاره‌ای کاستی‌ها و نادرستی‌ها.[5] بنابراین، همچنان نیازمند تدوین یک اندیشه‌نامهٔ کلامیِ جامع و دقیق برای شریف مرتضی هستیم و چند پژوهش یادشده به‌هیچ روی برای شناخت کامل و فراگیر ایستارهای اعتقادی وی بَسَنده نیست. به‌همین نحو، درباب دیدگاه‌های او در قلمرو فقه و اصول فقه و تفسیر و حدیث هنوز مکتوبات و تحقیقاتی شایان توجّه ارائه نشده است و در تمامی این رشته‌ها باید تک‌نگاشت‌هایی درست و استوار جهت معرّفی نظریّات سَیّد مرتَضی به رشتهٔ تحریر درآید.

امّا برای تدوین چنین اندیشه‌نامه‌ها و تک‌نگاشت‌هایی ابتدا باید مقدّماتی مهیّا گردد. در دسترس بودن ویراست‌هایی قابل اعتماد از آثار شریف مرتضی نخستین پیش‌نیاز برای تحقیقات پیشگفته است که خوشبختانه هم‌اینک آنها را در اختیار داریم. پیش‌نیاز دیگر، تهیّهٔ یک کتاب‌شناسی جامع درباب نگاشته‌های شریف مرتضی است که در آن، عِلاوه بر معرّفی آثار وی، هم مسألهٔ اَصالت و اعتبار و صحّت انتساب این آثار بررسی شده باشد و هم ترتیب و سیر تاریخی نگارش آنها تا

---

۱. المؤتمر الدولي لذكرى ألفيّة الشريف المرتضى، مؤلّفات الشريف المرتضى، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية و مركز المؤتمرات العلميّة والبحوث الحرّة التابع لمؤسّسة دار الحديث، ۱۴۴۱-۱۴۴۲ ق.

۲. اسعدی، علیرضا، سید مرتضی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱ ه‍.ش.

۳. الشمّري، رؤوف، الشريف المرتضى متكلّماً، مراجعة: ابراهيم رفاعة، مجمع البحوث الإسلاميّة، مشهد، ۱۴۳۴ ه‍.ق.

4 . Abdulsater, Hussein Ali, *Shi'i Doctrine, Mu'tazili Theology: al-Sharif al-Murtada and Imami Discourse*, Edinburgh University Press, 2017.

۵. در این خصوص نگرید به: عطائی نظری، حمید، «اِشارات وتَنبیهات (۳)»، مجلّهٔ آینه پژوهش، سال ۳۱، ش ۱۸۵، آذر و دی ۱۳۹۹، صص ۱۸۷_۲۰۳. بازچاپ شده در: همو، میراث مرتضوی: جستارهایی درباب میراث مکتوب شریف مرتضی، کتاب طه، قم، ۱۴۰۱، صص ۲۶۱ - ۲۸۲.

حدّ امکان بر اساس شواهد گوناگون معلوم و معیّن گشته باشد. در این زمینه، تا پیش از این، یگانه پژوهش مفصّل و قابل اعتنا کتابی است که با عنوان «الشریف المرتضی، حیاته وآثاره» در ضمن مجموعه منشورات کنگرۀ شریف مرتضی به طبع رسیده است.[۶] در بخشی از این کتاب، جستاری مبسوط زیر عنوان «مکتبة الشریف المرتضی ویومیّاته» به قلم آقای حیدر البیاتی و با بازنگری مرحوم علّامه سیّد عبدالستّار الحسنی نشر یافته که در آن، فهرستی نسبتاً کامل از آثار شریف مرتضی گردآوری شده است.[۷] این آثار به سه بخش تفکیک گردیده و هر نگاشته‌ای بر اساس شواهد و قرائن گوناگون ذیل یکی از این سه بخش درج شده است:

۱) مصنّفاتی که انتساب آنها به شریف مرتضی قطعی و یقینی است. (در این قسم، گذشته از اثبات اصل نگارش این آثار به قلم سیّد مرتضی، گاه این مسأله هم بررسی شده است که آیا اثر موجودِ در دسترس ما و نسخه‌هایی که از آن باقی مانده است، درواقع نیز همان متنی است که سیّد مرتضی نوشته بوده یا اینکه متن موجود کنونی متنی است جعلی با عنوانی مشابه که در حقیقت نوشتۀ مؤلّف دیگری است).

۲) مصنّفاتی که دلیلی قطعی بر تأیید یا ردّ انتساب آنها به شریف مرتضی وجود ندارد.

۳) مصنّفاتی که به‌اشتباه به شریف مرتضی نسبت داده شده است و قطعاً نوشتۀ او نیست.

در کتابشناسی یادشده، درخصوص ترتیب و سیر تاریخی نگارش آثار شریف مرتضی مبحث مستقلّی مطرح نشده است و تنها در جدولی با عنوان «یومیات الشریف المرتضی»[۸] در ضمن برشماری تاریخ برخی از وقایع زندگی شریف مرتضی، به آثاری که تاریخ نگارش آنها معلوم است نیز اشاره شده و بر اساس این جدول می‌توان تا حدودی سیر تاریخی نگارش بعض مکتوبات وی را دریافت. با این وصف، همچنان نیازمندیم به پژوهشی منسجم و ژرف که بر بنیاد شواهد و دلایل گوناگون، از جمله ارجاعات سَیّد مرتضی به مؤلَّفات مختلف خود، ترتیب تاریخی نگاشته‌های او را تا حدّ امکان بازنماید.

باری، برای شناخت همه‌جانبه و دقیق از آثار و آراء شریف مرتضی در علوم مختلف هنوز گام‌های برگرفتنی فراوان است و باید تحقیقات و تدقیقات بس افزون‌تری صورت گیرد. اکنون مایۀ خرسندی و مسرّت است که به‌تازگی گامی بلند برای شناخت و معرّفی نوشته‌های شریف مرتضی برداشته شده است و تک نگاشتی شایسته و ارزنده دربارۀ نگاشته‌های وی به زبان انگلیسی منتشر شده است که تا حدود زیادی می‌تواند کمبودهای پیشینِ یادشده را درخصوص شناخت تألیفات و

۶. عدّة من الباحثین، الشریف المرتضی حیاته وآثاره، إعداد: مؤسّسة تراث الشیعة، مجمع البحوث الإسلامیة ومرکز المؤتمرات العلمیّة والبحوث الحرّة التابع لمؤسّسة دار الحدیث، مشهد، ۱۴۴۱ ق.

۷. نگرید به: همان، صص ۱۹۳ - ۴۹۰.

۸. نگرید به: همان، صص ۴۹۱ - ۵۱۵.

دست‌نوشت‌های آثار او جبران نماید. موضوع مقالۀ پیش‌رو معرّفی همین کتاب نوانتشار است که به همّت عالی دو استاد دانشمند و برجستۀ مطالعات اسلامی در مؤسّسۀ مطالعات پیشرفتۀ پرینستن آمریکا، آقای حسن انصاری و خانم زابینه اِشمیتکه نگاشته شده است و در اسپانیا به‌چاپ رسیده. مشخّصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, *Al-Šarīf al-Murtaḍā's Oeuvre and Thought in Context (An Archaeological Inquiry into Texts and Their Transmission)*, Córdoba: UCOPress. Cordoba University Press – CNERU: Córdoba Near Eastern Research Unit – IAS: Institute for Advanced Study, Princeton, 2022, 17 x 24, Part I: *Study*, 856 pp., Part II: *Illustration*, 808 pp., (Serie Arabo-Islamica; vol. 4)

حسن انصاری و زابینه اِشمیتکه، بازشناسی آثار و اندیشۀ شریف مرتضی در زمینۀ تاریخی آنها (پژوهش دیرینه‌شناسانه‌ای در باب متون و سنّت‌های انتقال آنها)، کوردوبا (قُرطبه) اسپانیا: انتشارات دانشگاه کوردوبا – واحد تحقیقات خاورنزدیک کوردوبا – مؤسّسۀ مطالعات پیشرفتۀ پرینستن، ۲۰۲۲ م.، پارۀ نخست: پژوهش، ۸۵۶ ص؛ پارۀ دوم: تصاویر، ۸۰۸ ص، سلسلۀ مطالعات عربی _ اسلامی، ش ۴).

کتاب کلان دوجلدیِ بازشناسی آثار و اندیشۀ شریف مرتضی در زمینۀ تاریخی آنها را باید مفصّل‌ترین کتابی قلمداد نمود که به زبان انگلیسی دربارۀ عالمی امامی نگاشته شده است. هدف اصلی از تألیف این اثر تدوین یک کتاب‌شناسی تا حدّ امکان جامع برای نگاشته‌های شریف مرتَضی و معرّفی مکتوبات او و دست‌نوشت‌های متعلّق به آنها با رویکرد تاریخی و تبارشناسانه است. پارۀ نخست این اثر اختصاص دارد به پژوهش‌های نویسندگان کتاب دربارۀ تألیفات گوناگون شریف مرتضی، و پارۀ دوم آن مشتمل است بر حدود ۸۰۰ تصویر منتخب از دست‌نوشت‌ها و طبع‌های آثار وی که هم به‌منظور مستندسازی مطالب مطرح در کتاب و هم برای استفادۀ محقّقان علاقه‌مند به نسخه‌شناسی به صورت رنگی و با کیفیّتی مناسب چاپ شده است و فهرست آنها در ابتدای پارۀ نخست نیز درج گردیده.[9]

پارۀ نخست کتاب مورد گفت‌وگو دارای چهار قسمت مجزّا و متفاوت به شرح زیر است:

۱) قسمت مقدّماتی، که در ذیل آن سه عنوان قرارگرفته است:

۱. فهرست تصاویری که در پارۀ دوم این کتاب چاپ شده است (ص ۱۵).

۲. مقدّمۀ نویسندگان (ص ۵۱).

۳. سپاسگزاری (ص ۶۵).

۲) قسمت اصلی کتاب، که برای آن عنوان «پذیرش و تداول و انتقال مجموعه آثار و اندیشۀ شریف

9 . Ansari, Hassan and Sabine Schmidtke, *Al-Šarīf al-Murtaḍā's Oeuvre and Thought in Context (An Archaeological Inquiry into Texts and Their Transmission)*, Part I: Study, pp. 15-50.

مرتضی» در نظر گرفته شده است، مشتمل بر **شش فصل** زیر است:

۱. آثار تک نگارانه (ص ۶۹).

۱.۱. مقدّمه (ص ۶۹).

۱.۲. آثار متداول درمیان شیعیان: کتاب الشافی فی الإمامة، کتاب المُقنِع فی الغیبة، کتاب الاِنتصار، الناصریّات، جُمَل العلم و العمل (ص ۷۳).

۱.۳. آثار متداول در محافل شیعیان و فراتر از آن (۱): کتاب تنزیه الأنبیاء والأئمّة (ص ۱۰۲).

۱.۴. آثار متداول در محافل شیعیان و فراتر از آن (۲): کتاب غُرَر الفوائد (أمالی) و تکملة الغُرَر (ص ۱۱۴).

۱.۵. آثار شعری و ادبی: دیوان اشعار، طَیف الخَیال، الشِّهاب فی الشَّیب والشَّباب، شرح القصیدة المُذَهَّبة (ص ۱۷۳).

۱.۶. اصول فقه: الذَّریعة إلی أصول الشریعة (ص ۱۹۵).

۱.۷. آثار کلامی: کتاب الذخیرة، کتاب المُلَخَّص، الموضِح عن جهة إعجاز القرآن (ص ۲۲۲).

۱.۸. الفصول المختارة، و الحکایات (ص ۲۴۰).

۱.۹. ردّیه های بر یحیی بن عَدی، و کتاب الانصاف (ص ۲۴۸).

۲. مجموعه های گونه گون (ص ۲۵۱).

۲.۱. انتقال نگاشته های شریف مرتضی در دورهٔ صفویّه (ص ۲۷۸).

۲.۲. «مجموعهٔ خطّی فاضل هندی» و پذیرش و تداول آن (ص ۳۲۲).

۲.۳. کتابت مجموعه های خطّی آثار شریف مرتضی در قرون دوازده و سیزده هجری (ص ۳۳۹).

۲.۴. استنساخ نگاشته های سَیّد مرتَضی در طول قرن چهاردهم هجری (ص ۳۵۸).

۳. از دست نوشت تا چاپ (ص ۳۹۵).

۴. آثاری با انتساب غلط یا مشکوک به سَیّد مرتَضی (ص ۴۱۱).

۵. نگاشته های فقهیِ مفقود شریف مرتضی (ص ۴۲۳).

۶. نِکاتی در باب گاه شماری (ترتیب تاریخی نگارش) آثار شریف مرتضی (ص ۴۳۳).

۳) قسمت سوم کتاب، اختصاص یافته است به پیوست ها و ضمائم کتاب که در متن اثر از آنها سخن گفته شده و بدانها ارجاع داده شده است. این پیوست ها عبارتند از:

۱. ساختار آثار اصول فقهیِ زیدی و معتزلی و امامی در قرن پنجم هجری (ص ۴۴۹).

۲. کتاب تنزیه الأنبیاءِ شریف مرتضی به مَثابَت مصدر اصلیِ کتاب عصمة الأنبیاءِ فخر رازی (ص ۴۵۵).

۳. عبارات مقدّماتی نسخه‌های مختلف کتاب الغُرَرِ شریف مرتضی (ص ۴۷۷).

۴. تقسیمات داخلی و نسخه‌شناسانۀ کتاب الغُرَرِ شریف مرتضی (در سه ویراست منتشرشده از آن و قریب شصت نسخه‌خطی از این اثر) (ص ۴۸۱).

۵. جدول تطبیقی ترتیب قوافی (جلد اوّل و دوم) دیوان شریف مرتضی در نسخۀ شمارۀ ۱۳۹۰۱ کتابخانۀ مرعشی قم و ویراست رشید الصفّار از دیوان او (ص ۴۸۸).

۶. جدول تطبیقی ترتیب قوافی (جلد پنجم و ششم) دیوان شریف مرتضی در نسخۀ شمارۀ ۴۱۲ کتابخانۀ امام امیرالمؤمنین نجف و ویراست رشید الصفّار از دیوان او (ص ۴۹۴).

۷. فهرست تطبیقی ترتیب اشعار دیوان شریف مرتضی در شرح محمّد التونجی و ویراست رشید الصفّار از دیوان او (ص ۵۰۳).

۸. جدول ترتیب متون و رسائل سیّد مرتضی در نسخه‌های قرن یازدهمِی مختلفِ رونویسی‌شده از روی مجموعه‌ای خطّی از رسائل وی کتابت‌شده در سال ۵۷۴ ق. (این مجموعۀ خطّی نفیس از رسائل شریف مرتضی متعلّق به خِزانۀ غَرَویّه در نجف بوده و اینک مفقود است) (ص ۵۳۰).

۹. جدول فهرست آثار شریف مرتضی بر اساس فهارس بُصرَوی، طوسی، نجاشی و ابن شهرآشوب (ص ۵۴۱).

۱۰. فهرست ویراست‌ها و دست‌نوشت‌های شریف مرتضی، و منقولات مبسوط از آثار بازماندۀ وی در منابع ثانویه که در این کتاب ذکرشده است، و آثاری که به‌اشتباه به سَیّد مرتضی انتساب یافته (ص ۵۶۰). (در بخش نخست این پیوست، فهرستی از آثاری که انتساب آنها به شریف مرتضی قطعی است یا دلیلی بر نفی انتساب آنها به وی وجود ندارد، ارائه گردیده است (صص ۵۶۱ – ۶۱۲). پس از آن، فهرستی فراهم آمده است از آثاری که به‌نادرست به سَیّد مرتضی نسبت داده شده (صص ۶۱۳– ۶۱۵).

۱۱. جدول ارجاعات شریف مرتضی در نگاشته‌هایش به آثار مختلف خود. در این پیوست، ابتدا در یک جدول، ارجاعاتی که شریف مرتضی در هریک از نوشته‌های خود به دیگر آثارش داده است بازنموده شده است و سپس در جدولی جداگانه، ارجاعاتی که وی در نگاشته‌های مختلفش به هر یک از آثارش داده است، یکجا گردآوری و مرتّب و ارائه شده است (ص ۶۲۰).

۱۲. ویراست تلخیصی از رسالۀ مناظرة الخصوم وکیفیة الاستدلال علیهم (طریق الاستدلال علی فروع الإمامیّة) بر اساس دست‌نوشت شمارۀ ۴۴۷۱ کتابخانۀ مجلس شورای اسلامی و مقایسۀ آن با متن نسخه‌های کامل رساله (ص ۶۴۰).

۱۳. رونوشــتی عربی از گزیدۀ کوتاه چند بخش از رســالۀ إنقاذ البشر بر اساس دست‌نوشتی موجود در یک مجموعۀ خطّی گنیزه به خطّ عِبری محفوظ در دانشگاه کمبریج (ص ۶۴۸).

۱۴. جــدول تطبیقــی محتوای رسـالۀ المُقنِــع و الزیادة المکمَّل بها کتاب المُقنِع شـریف مرتضی و تلخیص آن با نام مسألة وجیزة فی الغیبة (ص ۶۵۳).

کتابنامه (ص ۶۶۱).

۴) در قسمت چهارم کتاب، نمایه‌های مفصّل زیر ارائه شده است:
۱. نمایۀ اَعلام و اشخاص (ص ۷۵۹).
۲. نمایۀ کتابها (ص ۷۹۵).
۳. نمایۀ مکان‌ها (ص ۸۲۹).
۴. نمایۀ مؤسّسات و کتابخانه‌ها (ص ۸۳۲).
۵. نمایۀ نسخ خطّی (ص ۸۳۶).

همانگونــه کــه از مرور فهرســت مطالب پیشــگفته نیز قابل فهم اســت، در این کتاب آنچه بیشــتر مَطمَح نظــر و مورد توجّه نویســندگان بوده اســت، معرّفی کتاب‌شناســانه و نسخه‌شناســانۀ آثار گوناگون شــریف مرتضی و بررســی تاریخی سیر کتابت و انتقال و تداول این آثار و دست‌نویس‌های آنها اســت و در این زمینه، زحمات وافر و تتبّعات بســیار و نکته‌اندیشــی‌های آنان درخور ستایش و سپاسگزاری ویژه است.

مطالــب و مباحثی که نویســندگان ارجمند کتــاب در مقدّمۀ اثر خویش مطرح کرده‌اند، انگیزه‌ها و مقاصد و اهداف آنان را از نگارش این نگاشــته بهتر بازمی‌نماید. در اینجا، جهت اطّلاع خوانندگان گرامی، اهمّ مطالب و نِکاتی که در مقدّمۀ کتاب بیان شده است، بازگو می‌شود.

مقدّمۀ نویسندگان دارای سه بخش متمایز است. در نخستین بخش، مؤلّفان به ادوار و جریان‌های فکــری متنــوّع پدیدآمده در اندیشــۀ امامیّه از قرن چهــارم هجری تا دورۀ معاصر اشــاره کرده‌اند. فکــر کلامــی خردگــرایِ امامیّه، در دوره‌ای دامنــه‌دار در تعامل با جریان‌های مختلــف معتزله بوده اســت و ســپس در طول چند قرن با طیفی گســترده از مکاتب فلســفی ارتباط داشته است. تصوّف و عرفان نیز از قرن هفتم هجری به بعد جزئی انفکاک‌ناپذیر و مهمّ در اندیشــۀ امامیّه به‌حســاب می‌آیند. افزون بر این، دانش اصول فقه در امامیّه نیز در تعامل پیوســته با کلام و فلســفه تکوین و ترقّی یافت.[10] در ســوی مقابلِ جریان‌های فکری خردگرا گروه نقل‌گرایان قرار داشــتند که مخالف کاربرد اســتدلال‌های عقلی در فقه و کلام بودند و رِوایات و تعالیم امامان (ع) را برای دســتیابی به

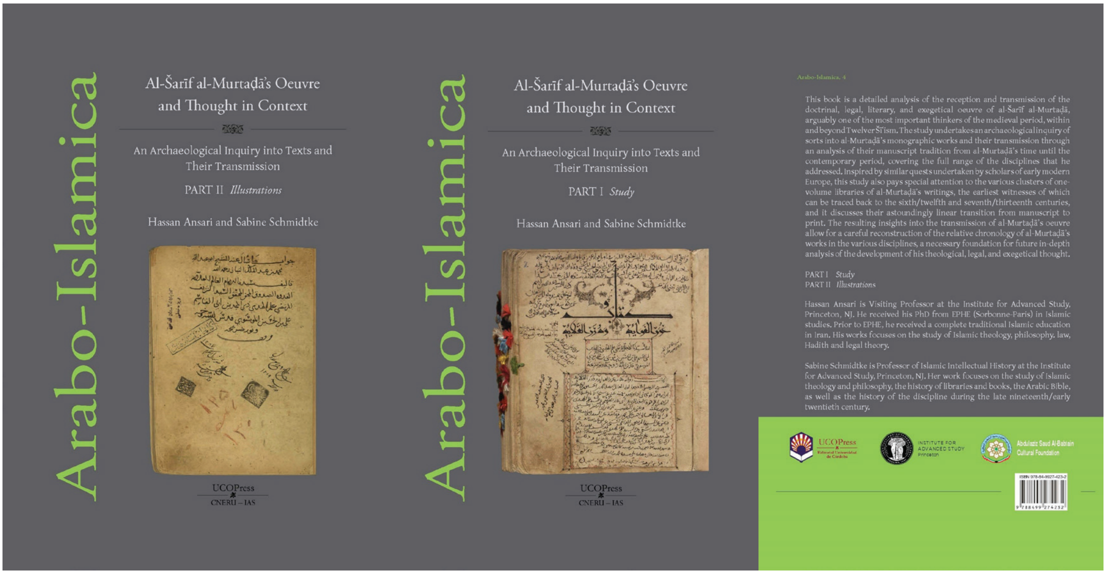
10 . Ansari, Hassan and Sabine Schmidtke, *Al-Šarīf al-Murtaḍā's Oeuvre and Thought in Context (An Archaeological Inquiry into Texts and Their Transmission)*, Part I: Study, p. 51.

معرفت حقیقی کافی می‌انگاشتند.[11] اگر فقط یک خصلت باشد که تشیّع امامی را در طی سیزده قرن گذشته از سایر فِرَق مسلمان متمایز ساخته باشد، آن خصلت چیزی نیست جز فعّالیّت‌های عقلانی بسیار متنوّع و مستمرّ و نیز پیوسته رو به تکامل پیروان آن.

آثار پرشماری که متکلّمان شیعی متقدّم در باب مسائل و موضوعات مختلف کلامی نگاشته بوده‌اند و عناوین آنها در کتب تراجم و فهارس ثبت شده است، نمودار علاقۀ آنان به پرداختن به مسائل کلامی و عقلی فراتر از موضوعات خاصّ مربوط به امامت و عقاید شیعی و نیز تبحّر آنها در طیفی گسترده از مباحث عقلی است و افزون بر اینها، اشتغال آنان را به دانش‌های عقلی دیگر نیز نشان می‌دهد. در عین حال، این متکلّمان همواره تقابلی آشکار با اخباریان و اصحاب الحدیث داشتند که یگانه راه دستیابی به معرفت راستین را رجوع به اخبار و رِوایات امامان می‌دانستند و مجادلات کلامی و روش متکلّمان را مذموم و محکوم قلمداد می‌نمودند. از نظر اصحاب الحدیث اعتنا و پرداخت متکلّمان به استدلال‌های عقلی و ارائۀ دیدگاه‌های مستقل به‌معنای تضعیف و تردید در مرجعیّت امامان برای کسب معرفت دینی است. با این وصف، نکتۀ مهمّ شایان توجّه این است که برخلاف متکلّمان و محدّثان اهل تسنّن که درخصوص ارزیابی و ارزشگذاری احادیث ایستاری مخالف با یکدیگر داشتند، در تشیّع اوّلیّه چنین تفرقه و اختلاف نظری دیده نمی‌شود. درواقع، متکلّمان شیعی در زمرۀ شاگردان و اصحاب ائمّه (ع) و راویان احادیث آنان نیز بودند و امامان (ع) را مرجع نهایی کسب معرفت می‌دانستند و باورهای اعتقادی خود را تا حدّ زیادی از تعالیم امامان برمی‌گرفتند. این متکلّمان نقش عقل را تا مرتبۀ ابزاری جدلی و وسیله‌ای برای تحقیق در مسائل «دقیق» و «لطیف» کلامی فروکاستند. درنتیجه، متکلّمان امامی از نظر اعتقادی در بسیاری از مسائل با مخالفان حدیث‌گرای خود اتّفاق‌نظری بنیادین داشتند.[12]

نویسندگان کتاب در مقدّمۀ خویش به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که یکی دیگر از مسائلی که موجب اختلاف و دودستگی مهمّی در تشیّع نخستین پس از رحلت پیامبر (ص) شد، تلقّی‌های متفاوت و ناسازگار شیعیان از نقش و ماهیّت وجودی امامان بود. عدّه‌ای از شیعیان (یعنی غُلات) تصوّری فوق بشری از امامان داشتند و آنان را دارای سرشتی الهی و صاحب قدرت و علم غیب و صفات فراطبیعی می‌دانستند؛ درحالی که شماری دیگر از شیعیان، امام را فردی همچون سایر انسانها می‌شناختند که البتّه واجد علم کامل دین و تفسیر صحیح قرآن است. تضادّ و تعارض میان این دو دیدگاه، در زمان حضور امامان نیز شدّت یافته بود و تعالیم طرفداران آنها و همچنین ایستارهای میان این دو نظر، آثار خاصّ خود را بر مجموعه‌های حدیثی باقی نهادند. این درحالی بود که امامان و جریان اصلی امامیّه آراء و عقاید غُلات را بدعت‌آمیز و باطل می‌خواندند.[13]

11 . p. 52.
12 . p. 53.
13 . p. 54.



آقای انصاری و خانم اِشمیتکه در بخش دوم مقدّمهٔ خود به مسألهٔ مهمّ وضعیّت مطالعات شیعی و جریان‌های فکری شیعه‌شناسی در محافل آکادمیک غربی معاصر پرداخته‌اند. به گفتهٔ آنان مطالعات غربی در باب تاریخ اندیشهٔ امامی به شدّت جزءنگر است، یعنی در این تحقیقات به‌جای اینکه رشته‌ها و موضوعات مختلف در زمینهٔ اندیشهٔ امامیّه در کنار هم به عنوان یک مجموعه بررسی شود، اینگونه موضوعات به‌نحو مجزّا از هم مورد تحقیق قرار گرفته و در قالب یک منظومه و نظام کلّی لحاظ نشده است. اگرچه در مراکز علمی غربی درخصوص برخی از رشته‌ها و جوانب اندیشهٔ شیعی همچون تفسیر و حدیث و فقه و تاریخ کلام و فلسفه پژوهش‌هایی صورت گرفته است، همچنان کمبودهای فراوانی در تمامی این رشته‌ها احساس می‌شود. در چند دههٔ گذشته دسترس به منابع کهن شیعی از طریق شناسایی روزافزون نسخه‌ها و تدوین فهارس نسخ خطّی و ارائهٔ تصویر آنها در پایگاه‌های علمی مختلف و نیز تصحیح و نشر تراث شیعی در ایران و عراق بیشتر و آسان‌تر گردیده است. همچنین، تحقیقات چشمگیری در این دو کشور به‌ویژه در ایران در باب متون شیعی منتشر شده است. تمامی این پیشرفت‌های تازه، شیعه‌پژوهی را رشته‌ای پویا و فعّال در قرن حاضر ساخته است.[14]

به نظر نویسندگان کتاب، پژوهش‌های غربی درخصوص ماهیّت اوّلیّه و هویّت اصلی تشیّع امامی دچار این نقیصه است که تنها منحصر و محدود است به دو جریان فکری متضادّ و ناسازگار. یک جریان، دیدگاهی است که هِنری کُربَن ارائه کرد و بر اساس آن، تشیّع اَصالتاً مذهبی باطن‌گرایانه قلمداد می‌شود و سایر جنبه‌ها و جلوه‌های آن وجوهی فرعی و حاشیه‌ای به‌حساب می‌آید. اعتنا

14 . p. 55.

و اهتمام وی به تحقیق دررویکردها و تعالیم باطنی از جمله حکمت مشـرقیِ ابن سـینا و حکمت اشـراقیِ سـهروردی و معارف شیخیّه، بخشی ازکوشـش و پژوهش کلّی اوست درراستای بازیابی یک سنّت گنوسیِ باستانیِ ازدست رفته. پس ازکُربَن، شاگرد او، محمّدعلی امیرمُعزّی فرضیّۀ او را مبنی براینکه تشیّع اَصالتاً مذهبی باطنی است که حول محورامام تکوین یافته است، با اندکی اصلاحـات پذیرفـت. تفسـیرامیرمُعزّی ازماهیّت تشـیّع عمدتاً متمرکزو مبتنی اسـت برمیراث غُلات. تحقیقات قابل ملاحظه و مهمّ او دربارۀ تشیّع اوّلیّه سرآغازمرحلۀ تازه‌ای ازپژوهش‌ها دراین زمینه بود. او درنوشته‌های خود به بازشناسی دو سنّت متضادّ پدیدآمده درتاریخ امامیّه پرداخته است: نخست، سنّت باطنیِ فراعقلیِ کهن که درکوفه پدید آمد و سپس درری و قم استمراریافت؛ و دوم، سنّتی متأخّروعقل‌گرا که دربغداد شَکل گرفت و نمودهای آن دروهلۀ نخست درزمینه‌های کلام و فقه و اصول فقه قابل مشـاهده اسـت. ایراد اصلی وارد بردیدگاه‌های امیرمُعزّی این اسـت که او مسألۀ اَصالت و اعتبارو نیزپیشینه و تاریخ متون مورد استناد و استفادۀ خود را تا حدّ زیادی نادیـده می‌انـگارد و بخش‌هـای عمده و اصلی تکامل تاریخی امامیّـه ازعصرغیبت تاکنون راخارج ازهسـتۀ اصلی تشـیّع ملحوظ داشـته و درتحلیل‌های خود درباب هویّت تشـیّع مَطمَح نظرقرار نداده است. درواقع، رویکرد گزینشی امیرمُعزّی دراستفاده ازمنابع تصویری راکه کُربَن ازتشیّع به عنوان جنبشی باطنی ارائه نمود تا حدودی اِحیا نمود.[15]

درسوی مقابلِ نظرگاه‌های کُربَن و امیرمُعزّی درباب هویّت تشیّعِ نخستین، دیدگاه‌های حسَین مدرّسی طباطبایی قراردارد که به نوعی ادامه‌دهندۀ خطّ سیرتحقیقاتی قدیم‌ترِمحقّقان شیعه‌پژوه غربی به‌ویژه ویلفِرد مادلونگ اسـت. مدرّسـی بربُعد و عنصرعقلانی تشیّع، به عنوان اصلی‌ترین ویژگـی آن دراوایـل دوران حیات ائمّه (ع) تأکید می‌کند. ازنظراو شـیعیان متقدّم گروهی میانه‌رو بودند که امام را فردی همچون سایرانسانها می‌دانستند با این تفاوت که ازخطا معصوم و مصون اسـت. به باوروی این دیدگاه که امامان صاحب قدرت‌های فوق طبیعی هسـتند و سرشـتی الهی دارند، ایسـتاری اسـت انحرافی که درجریان اصلی تشـیّع رخنه نموده و تنها یک پدیدۀ حاشیه‌ای به‌شمار می‌آید.

امیرمُعـزّی ایـن فرضیّـه را مطـرح نمـوده که بسـیاری ازآن مطالـب و منابع متقدّمی کـه نمودار جنبه‌های باطنی تشیّع بوده‌اند، بردست متکلّمان امامی بعدی همچون شریف مرتضی و شیخ طوسـی سانسـوروحذف شـده‌اند. دربرابراین نظر، مدرّسی براین باوراست که برخی ازنخستین مجموعه‌های حدیثی شیعی بازمانده، درمعرض شبهات جدّی قراردارند و برای نمونه، درخصوص مطالـب و رِوایـات مندرِج درتحریرکبیرِموجود ازبصائرالدرجاتِ صفّارقمی ـ که یکی ازمنابع مورد

15 . p. 56.

توجّه و علاقهٔ امیرمُعزّی است ـ شبههٔ تحریف و الحاق و اضافات بعدی قابل طرح است.[۱۶]

پس به طور خلاصه، درحالی که امیرمُعزّی فقط برجنبه های باطنی تشیّع تأکید و تمرکز دارد و بُعد و نمودِ ظاهری آن را تحریف تشیّع نخستین می انگارد، مدرّسی تشیّع را اَصالتاً جنبشی میانه رو با ظواهر خارجی معرّفی کرده و نمودهای فراعقلی و بُعد باطنی آن را اموری غیراصیل و عارض بر حقیقت تشیّع برشمرده و نادیده می گیرد.[۱۷] مدرّسی نیز همچون امیرمُعزّی در استناد و استفاده از منابع دچار غَفلت شده است و مسألهٔ اَصالت و اعتبار رِوایات و مصادر آنها را اغلب مورد توجّه قرار نداده است و به عِلاوه، در گزینش و کاربرد رِوایات و منابع، رویکردی غیر تاریخی دارد.[۱۸] بنابراین، از دیدگاه نویسندگان این کتاب، هر دو دیدگاه پیشگفته در باب هویّت اصلی تشیّع، گزینشی و نادرست و نااستوار است و هرگونه نظریّه پردازی در این خصوص باید با لحاظ همهٔ دلایل و شواهد موافق و مخالف و پس از سنجش اَصالت و اعتبار رِوایات و مصادر آنها صورت پذیرد. به عبارت دیگر، برای شناخت تاریخ تحوّلات فکری مکتب امامیّه باید با رویکردی غیر گزینشی و با نگاهی جامع به همه ابعاد و جریان های فکری پدیدآمده در این مکتب در فرایند تحوّل تاریخی اش، به تحقیق در این زمینه پرداخت.

امّا در سومین بخش از مقدّمهٔ نویسندگان کتاب مورد گفت وگو نِکاتی چند در باب زمینه ها و اهداف نگارش و محتوای این کتاب بیان شده است. در این قسمت، نخست به این نکتهٔ بنیادین اشارت رفته که در هر مقطعی از تاریخ تشیّع رویکرد امامیّه به مسائل فقهی و کلامی متأثّر از جریان های رقیب در دو خطّ اصلی تعارض و نزاع زیر بوده است:

۱. نزاع در باب منبع کسب معرفت و نقش عقل در آن، یعنی این مسأله که آیا معرفت دینیِ یقینی و معتبر از طریق «عقل» نیز حاصل می شود یا اینکه چنین معرفتی تنها از راه «نقل» به دست می آید؟

۲. نزاع میان برداشت های غالیانه و اعتدالی از ماهیّت و نقش امامان (ع)، که بر طبق نظر غُلات، امامان معرفت باطنی خویش را تنها به اصحاب سرّ و اصحاب الباطن بخشیده اند.[۱۹]

این دو خطّ اصلی تعارض تا حدّ زیادی بی ارتباط با یکدیگر بوده اند؛ اعتدالیون، هم در بین نقل گرایان و اصحاب الحدیث وجود داشته اند و هم در میان متکلّمان و فلاسفه و اصولیان عقل گرا. به همین نحو، دیدگاه های غالیانه نیز هم مورد تأیید و حمایت سنّت گرایان بود و هم کسانی که از مفاهیمی بهره می بردند که اَصالتاً از سوی طرفداران فلسفه و عرفان ارائه شده بود.

16 . pp. 57-58.

17 . p. 58.

18 . p. 59.

19 . p. 59.

نکتـهٔ قابـل تأمّـل و توجّه دیگر اینکه اقبال امامیان به معـارف و دانش های عقلی و نیز تنوّع فکری موجود در اندیشـهٔ امامیّه ناشـی از این حقیقت اسـت که برخلاف اهل سـنّت، تشیّع بر محور ائمّه (ع)، به عنوان منبع و مرجع نهایی معرفت، شَکل گرفته است و با وجود امام و هدایت و اصلاح او، هیچ مجالی برای نگرانی در خصوص انحراف از طریق صواب هنگام بهره گیری از روش ها و معارف مرسوم عقلی نیست. به بیان دیگر، وجود امام و نقش او به عنوان مرجع مطلق معرفت (به عنوان حجّـت) در مکتب امامیّه که می توانسـت خطاهای اساسـی پیروان را همـواره اصلاح کند، موجب می شـد که «نظر» ورزی عقلی در میان امامیّه امر پر مخاطره ای – آن گونه که در جریان عمومی اهل سـنّت لحاظ می شـود – قلمداد نگردد و وجود امام پیوسـته راهنمای شـیعیان به عقیدهٔ درست باشـد. به همین جهت، برخلاف اسـماعیلیّه که شناخت خداوند را ناممکن می دانستند و معتقد بودند معرفت حقیقی تنها از طریق تعلیم پیامبر و امامان قابل تحصیل است، بیشتر امامیان، از جمله شـریف مرتضی و پیروان او «عقل» را ابزاری کافی و معتبر برای کسـب معرفت در بسیاری از مسائل عقیدتی مثل خداشناسی قلمداد می کردند و تنها در مسائل فقهی و مسائل عقیدتی مورد اختـلاف بـه امامان رجوع می نمودند.[20] بنابراین مذهب امامیّه در عین حال که بر محوریّت امامان تکوین یافته است، مذهبی است خردگرا و مبتنی بر تعالیم عقلی.

پـس از بیـان نِکات مقدّماتی پیشـگفته که زمینهٔ فکری نگارش کتاب مورد بحث دربارهٔ آثار شـریف مرتضی را آشـکار می سـازد، نویسـندگان به معرّفی کتاب خود پرداخته و خاطرنشـان کرده اند که موضـوع ایـن پژوهـش چندجلدی «تحوّل اندیشـهٔ امامی و میـراث مکتـوب آن از نیمهٔ دوم قرن چهـارم هجـری تا دورهٔ معاصر» اسـت و در آن رویکردهای روش شـناختی و گرایش های متمایز در تاریخ اندیشـهٔ امامیّه را بررسـی می کنند. در مجلّد نخسـت که اینک منتشـر شـده است، تحلیلی مفصّـل در خصـوص انتقال و انتشـار و تأثیر مجموعه آثار کلامی، فقهی، ادبی و تفسـیری شـریف مرتضـی، کـه بی تردید یکـی از مهم ترین عالمان در جهان اسـلام در قرون میانی به شـمار می آید، ارائه شـده اسـت. هدف نویسـندگان در این مجلّد آن اسـت که نِکاتی تازه در باب اثرگذاری شـریف مرتضی بر شـاگردش، شـیخ طوسـی و نیز میراث عقلانی مکتب آنها بازنمایند. همچنین، در این کتاب، تبارشناسـی نسـخ خطّی آثار شریف مرتضی و به طور خاص، تبارشناسی مجموعه رسائل وی مورد توجّه ویژه قرار می گیرد و نشـان داده می شـود که هر کدام از این مجموعه رسـائل چگونه و در چه زمانی تدوین یافته و از دوره ای به دورهٔ بعد منتقل شـده اسـت و ترکیب و کتابت این رسـائل و تعلیقه نویسـی بر آنها در ادوار مختلف به چه صورت بوده اسـت. افزون بر این ها، اسـتمرار کتابت و تکثیر نسـخ خطّی آثار شـریف مرتضی در طول قرن چهاردهم هجری نیز بررسـی می شـود.[21] به عقیدهٔ نویسـندگان این اثر، تحقیق و تصحیح هر یک از تألیفات شـریف مرتضی، حتّی اگر مبتنی

20 . p. 60.

21 . p. 61.

بر نسخه‌های کهن باشد، بدون توجّه به تبارشناسی دست‌نویس‌های مختلف و بررسی تحوّل تحریرها و روایات گوناگون این متون، تصحیح انتقادی تمام عیار و دقیقی به حساب نمی‌آید. بررسی تبارشناختیِ دست‌نوشت‌های یک اثر کهن، برای شناخت تحوّلات تاریخی نسخه‌های بازمانده از آن اثر ضرورتی انکارناپذیر دارد. از این رو، پژوهش‌های تبارشناختی مطرح در این کتاب در باب آثار شریف مرتضی می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای ارائۀ ویراست‌های انتقادی از آثار شریف مرتضی فراهم آورد.

موضوع مهمّ دیگری که در این نگاشته مورد بحث قرار گرفته است و پایه و بنیانی ضروری برای ارائۀ تحلیل‌های ژرف بعدی دربارۀ تکامل اندیشه‌های کلامی و فقهی و تفسیری شریف مرتضی به حساب می‌آید، موضوع «ترتیب تاریخی نگارش آثار» اوست. در این پژوهش تلاش شده است ترتیب تاریخی نسبی نگارش آثار سَیّد مرتَضی در علوم مختلف شناسایی و تبیین شود.[22]

بنا به گفتۀ مؤلّفان، بخش دوم این پژوهش زیر عنوان «اندیشۀ امامیّه در گذار (تحوّلات تاریخی اندیشۀ امامیّه)»[23] که در آیندۀ نزدیک منتشر خواهد شد، گزارشی است فراخ و دامنه‌ور از جریان‌ها و اندیشۀ کلامی امامیّه از قرن پنجم تا قرن چهاردهم هجری به منظور بازنمودن رویکردها و روش‌های متنوّع امامیّه در طول تاریخ برای کسب معارف و عقاید دینی. در تحقیق یادشده، از گذار اندیشۀ کلامی امامیّه از عقائد بَهشَمی به تعالیم ابوالحسین بصری و پس از آن، رسیدن به مرحلۀ نهایی شَکل‌گیری کلام فلسفی از اوایل دورۀ صفویّه به بعد و ادغام تدریجی عناصری از عرفان فلسفی در کلام امامی بحث خواهد شد. افزون بر این، آثار و اندیشه‌های خواجه نصیرالدّین طوسی که نقطۀ عطف دیگری را در تکوین کلام امامیّه پدید آورد مورد توجّه خاص قرار می‌گیرد و به ویژه از مسألۀ اَصالت و وثاقت و اعتبار آثار منسوب به او و نیز تحوّلات اندیشگی وی در طول دوران حیاتش سخن گفته خواهد شد.[24] همچنین، سومین بخش از پژوهش چندجلدی حاضر که در آینده به چاپ می‌رسد، «متونی کلامی و اصولی از امامیّه»[25] نام دارد و مشتمل است بر ویراست‌هایی تازه از بعض رسائل شریف مرتضی و پیروانش در دو دانش اصول دین و اصول فقه.[26]

همانگونه که نویسندگان یادآور شده‌اند، در حین نگارش این کتاب، متأسّفانه ویراست‌های جدید آثار شریف مرتضی که از سوی کنگرۀ شریف مرتضی منتشر شده است، در دسترس آنان قرار نداشته است.[27] بنابراین همۀ ارجاعات ارائه‌شده در این پژوهش راجع است به چاپ‌های

22 . p. 62.

23 . *Imāmī Thought in Transition*.

24 . p. 63.

25 . *Imami Texts on Doctrine and Legal Theory*.

26 . p. 64.

27 . p. 64.

پیشـین که شـوربختانه کاسـتی‌ها و نادرسـتی‌های بسیاری داشـته‌اند. گفتنی اسـت که در کتاب بازشناسـی آثار و اندیشـهٔ شریف مرتضی در زمینهٔ تاریخی آنها، برای شرح احوال و زندگانی و حیات علمی شـریف مرتضی و اسـتادان و شـاگردانش فصل مسـتقلّی در نظر گرفته نشده است اگرچه گاه در ضمن مباحث، به‌ویژه در پاورقی‌ها، اشاراتی به این قبیل موضوعات شده است. همچنین، در این تحقیق، اندیشـه‌های کلامی و اصولی و فقهی و حدیثی و تفسـیری شریف مرتضی موضوع و محور بحث قرار نگرفته اسـت و چنانکه پیشـتر اشـارت رفت، آثار سَـیّد مرتضی بیشـتر، از حیث نسخه‌شناسـی و نحوهٔ کتابت و انتقال آنها در ادوار مختلف مورد بررسـی واقع شـده و از مطالب و محتوای این آثار و نیز آراء شریف مرتضی در آنها چندان سخن به میان نیامده است. در آن مواردی هم که از اندیشـه‌های علم‌الهدی بحث شـده اسـت، همانگونه که از عنوان کتاب برمی‌آید، هدف نویسندگان به‌طور عمده تبیین زمینه‌های تاریخی اندیشه‌های وی و تشریح فراز و فرود و پذیرش و تداول افکار و انظار شریف مرتضی در میان امامیّه در مقاطع گوناگون با عنایت به سیر تداول آثار او بوده است. امیدوارم در بخش‌های بعدی این پژوهش گسترده فصولی مستقلّ و مُستَوفا نیز به بررسی در این موضوعات اختصاص یابد و حلقه‌های دیگر تحقیق حاضر را تکمیل نماید.

گذشـته از آثـار شـریف مرتضـی و مخطوطات آنهـا که نویسـندگان کتاب مورد گفت‌وگو بشـرح در خصوص آنها فحص و بحث کرده‌اند و نِکات خواندنی و سودمند فراوانی را در باب آنها یادآور شده‌اند، موضوعات و مسـائل فرعی دیگری نیز در ضمن مطالب و موضوعات اصلی مطرح شـده اسـت که بحث از آنها بر فوائد و مزایای کتاب افزوده است. از این قبیل است تعلیقات و حواشی و پاورقی‌های متعـدّد و مفصّـل نویسـندگان کتـاب که برخـی از آنها، خود، در حکم جُسـتاری جداگانه به‌شـمار می‌آید و مشـتمل اسـت بر مطالب نکته‌آموز و آگاهی‌های تازه در موضوعات گوناگون. برای نمونه، اطّلاعاتی که در پاورقی مبسوط شمارهٔ ۱۹۲ (صص ۱۲۰- ۱۲۴) دربارهٔ عالم امامیِ کمترشناخته شده، ابوالمَعالی احمد بن علی بن قُدامَه (د: ۴۸۶ ه. ق.) و نقش وی در نقل برخی از آثار شریف مرتضی و انتقال آنها به محافل سـنّی بیان شـده اسـت، یا نِکاتی که در پاورقی شمارهٔ ۲۰۴ (صص ۱۳۰- ۱۳۳) دربـاب آثـار و رِوایـات ضیاء الدیّن فضل اللّه راوندی (د: پیش از ۵۷۵ ه. ق.) بازنموده شـده بسـیار سـودمند و شـایان توجّه اسـت. نیز آگاهی‌هایی که در حاشیهٔ شـمارهٔ ۸۳۶ (صص ۳۷۲- ۳۷۳) در خصوص شیخ محمّد طاهر سَماوی (د: ۱۳۷۰ ه. ق.) و اهتمام وی در کتابت آثار امامیّه و کتابخانه‌ای که فراهم آورده بوده، ارائه شده است، به‌طور حتم مغتنم و مفید است.

این نکته نیز دربارهٔ کتاب بازشناسی آثار و اندیشهٔ شریف مرتضی در زمینهٔ تاریخی آنها گفتنی است که این اثر نه فقط از جهت بررسی مشروح و ژرف‌نگرانهٔ مکتوبات شریف مرتضی، که از لحاظ روش تحقیق و پژوهش تاریخی در باب متون و دست‌نوشـت‌های کهن هم حائز اهمّیّت و شـایان توجّه ویژه اسـت. برای نمونه، پژوهش تاریخیِ تبارشناسـانه‌ای که نویسـندگان کتاب در فصل دوم از اثر

خود (صص ۲۵۱ به بعد) دربارهٔ دست‌نویس های مجموعه رسائل شریف مرتضی و تبارشناسی آنها ترتیب داده‌اند و مشخّص کرده‌اند خاستگاه و ریشهٔ هریک از این مجموعه ها، کدام دست‌نوشت‌ها و مجموعه های خطّی کهن بوده است، الگویی است مناسب برای محقّقان که این شیوه پژوهش تاریخیِ تبارشناسانه را برای بازشناسی ریشه و پیشینهٔ مجموعه های خطّی مشابه نیز به‌کار برند. به همین صورت، فصل مفصّلی که در این کتاب در خصوص تحریرهای متفاوت و دست‌نویس های مختلف امالی شریف مرتضی و تبارشناسی آنها و راویان سنّی این اثر تألیف شده است (صص ۱۱۴ - ۱۷۳)، نمودگار و سرمشقی است نیک برای بررسی تحریرهای یک اثر کهن و شناسایی تبارها و طبقات مختلف نسخه ها و راویان آن.

وجه اهمّیت دیگر کتاب موضوع بحث آن است که با نگارش این اثر سترگ به زبان انگلیسی، برای نخستین بار این نکتهٔ مهم برای مخاطبان این زبان تبیین می‌شود که میراث علمی و فکری امامیّه، به‌ویژه تراث شریف مرتضی تا چه اندازه گسترده و مهمّ و درخور اعتناست. در دوران و جهان حاضر که غالب ادیان و مکاتب در صدد معرّفی معارف و مفاخر علمی خود با زبانی قابل فهم برای عموم دانشوران و پژوهندگان عالم هستند، هرگونه اثر و تحقیق علمی فاخر که به معرّفی تعالیم و مشاهیر مذهب امامیّه بپردازد و با زبانی مقبول و و روشی معقول جنبه‌هایی مغفول از این مکتب را برای عموم مردم دنیا بازشناساند شایستهٔ همه‌گونه قدرشناسی و ارج‌گذاری است. این امر زمانی اهمّیت بیشتری پیدا می‌کند که حجم بسیار اندک تحقیقات آکادمیک به زبان‌های بین‌المللی دربارهٔ مذهب امامیّه را با تحقیقات پرشمارِ روزافزونی که هر ساله در باب دیگر مذاهب و مکاتب اسلامی منتشر می‌شود، مقایسه نماییم و غربت دیرینهٔ این مذهب را فرایاد آوریم.

با توجّه به وجوه اهمّیّتی که برای کتاب بازشناسی آثار و اندیشهٔ شریف مرتضی در زمینهٔ تاریخی آنها (پژوهش دیرینه‌شناسانه‌ای در باب متون و سنّت‌های انتقال آنها) برشمرده شد، ترجمهٔ این کتاب به زبان فارسی کاری است هم نافع و هم لازم. امیدوارم ترجمان کاردانی همّت نماید و برگردانی دقیق و روان از این نگاشتهٔ شایگان عرضه نماید و زمینهٔ بهره‌مندی خوانندگان فارسی‌زبان از این اثر را فراهم آورد.